

مقاله علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»
سال هفتم، شماره سوم (پاییز ۱۳۹۸)

بررسی تکرار هندسی و کارکرد آن در سوره بقره*

زهرة بهروزی^۱

علی خضری^۲

محمد جواد پورعابد^۳

چکیده

تکرار یکی از جلوه‌های مهم علم زبان‌شناسی است. این پدیده از دیرباز همواره مورد توجه اهل ادب بوده است؛ چرا که تکرار هر کلمه یا عبارت، هدف و معنای مهمی را در پی دارد و بهتر می‌تواند مخاطب را تحت تأثیر خود قرار دهد. اسلوب تکرار در قرآن کریم گامی رو به جلوتر دارد؛ به گونه‌ای که اعجاز کلام آسمانی را به رخ همگان می‌کشانند؛ زیرا نوع ساختار و چیدمان کلمات تکرارشونده، علاوه بر زیبایی که به آیات و سوره‌ها می‌بخشد، بر بلاغت کلام می‌افزاید و موجب غنای نظام معنایی و تجلی مفاهیم مهم قرآنی می‌شود. پژوهش پیش رو، حاصل مطالعه تکرار هندسی در سوره بقره است و به دلیل نقش برجسته این نوع تکرار در سوره بقره، بر آنیم که با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه آمارگیری انواع تکرار هندسی، چگونگی کاربرد آن و میزان تأثیر دلالتی این نوع تکرار را بررسی کنیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد پنج نوع تکرار استهلالی، ختامی، هرمی، دایره‌ای و تراکمی در سوره بقره دیده می‌شود که تکرار هرمی با هدف تکرار و یادآوری مجدد مفاهیم و در راستای توصیفات، بیان جزئیات نعمت‌ها و مراتب خسران و رستگاری؛ تکرار ختامی به صورت حکم قاطع و حسن ختام آیات است؛ بنابراین، برخی صفات خداوند مانند سمیع، غفور، علیم و قدیر، به منظور هشدار و پس از اشاره به برخی احکام و قوانین به وفور تکرار شده است؛ همچنین تکرار استهلالی به منظور امر و نهی‌های اخلاقی و دینی بیشترین بسآمد را به خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، سوره بقره، بلاغت، تکرار هندسی.

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۷

zohreh.behroozi@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر.

Alikhezri@pgu.ac.ir

۲- نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس - بوشهر.

M.pourabed@pgu.ac.ir

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس - بوشهر.

۱ - مقدمه

تکرار در زندگی بشری، طبیعت و کلام امری بدیهی و بسیار پرکاربرد است و در جایگاه خود نقش اساسی ایفا می‌کند، بدین صورت که حیات انسانی برای بقا مستلزم تکرار است و کلام برای القای مفاهیم و تأکید بیشتر بر معانی کلیدی از تکرار بهره می‌گیرد؛ به همین دلیل تکرار در ادبیات جهان همواره مورد توجه بوده است، همانطور که محمدتقی بهار به تاریخچه تکرار اشاره می‌کند و معتقد است که «نمونه‌های تکرار در کتاب‌های مقدس تورات و انجیل نیز وجود دارد. در ادبیات ایران پس از اسلام نیز شواهدی از تکرار حتی در زبان‌های طبری و اشعار دوره سامانی وجود دارد و این ویژگی تا قرن چهارم و پنجم هجری رایج بوده است» (بهار، ۱۳۸۹ش: ۱۰۹)؛ هرچند که برخی از صاحب‌نظران علم بلاغت آن را "اطناب" می‌نامند (ابن یعقوب مغربی، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۶۵۹) و از آن به عنوان نقطه‌ضعف متن یاد می‌کنند؛ زیرا «کثرت تکرار عامل تضعیف‌کننده فصاحت کلام است» (القزوینی، ۱۹۹۳م، ج ۱: ۳۶) اما هنگامی که نمونه پژوهشی از کتاب‌های مقدس باشد، دیگر این‌گونه نیست؛ زیرا «تکرار در کلمات قرآنی و آیات ربانی از نوع تکرار بی‌مورد نیست بلکه تکرار کلمات و ذکر دوباره آیه‌ای از آیات قرآنی، جهت هدفی خاص و برای منظور ویژه‌ای می‌باشد» (علوی مقدم، ۱۳۷۲ش، ج ۱: ۳).

به طور کلی اسلوب تکرار و به ویژه تکرار هندسی یکی از اسلوب‌های پربسامد و بسیار مهم در قرآن کریم است که در این جستار تکرار هندسی در سوره بقره به صورت موضوعی و با رویکردی متفاوت بررسی می‌شود. بنابراین در این پژوهش سوره بقره به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شد؛ زیرا براساس تنوع موضوعات مطرح شده در آن، جامع‌ترین سوره قرآن کریم است و تکرار هندسی نقش برجسته‌ای در آن ایفا می‌کند. در اینجا سعی بر این است تا بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر آمارگیری به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: آیا همه شیوه‌های تکرار هندسی در سوره بقره به کار رفته است؟ تکرار هندسی چگونه و تا چه میزان در انتقال مفاهیم، نقش مؤثری داشته است؟ دلالت‌های معنایی و عاطفی تکرار چیست؟

در راستای رسیدن به پاسخ سؤالات مطرح شده، در ابتدا به سوره بقره و درک جایگاه تکرار و هدف از کاربرد آن در ادبیات اشاره‌ای گذرا خواهد شد؛ سپس به صورت جداگانه انواع تکرار هندسی

یعنی تکرار استهلالی، ختامی، هرمی، دایره‌ای و تراکمی معرفی شده و با ذکر شواهد و نمونه‌های قرآنی بررسی و تحلیل خواهند شد.

۱-۱. پیشینه

اسلوب تکرار از جمله مباحث مهمی است که همواره در کتاب‌های بلاغی به آن اشاره شده و در صورت نیاز در این پژوهش به آن‌ها استناد خواهد شد؛ مانند کتاب «المثل السائر فی أدب الکاتب و الشاعر» اثر ابن الأثیر (۵۵۸-۶۳۷ ق) که از نظر ایشان «تکرار به دو دسته تقسیم می‌شود: تکرار لفظ و معنا و تکرار معنا بدون لفظ؛ و هریک از این دو نوع به دو دسته تکرار مفید و غیرمفید تقسیم می‌شود، در تکرار مفید، لفظ برای معنا می‌آید یعنی در کلام برای تأکید آورده می‌شود و آن لفظ دلالت بر توجه چیزی دارد که در کلام تکرار شده و مبالغه در مدح و غیر مدح می‌باشد؛ اما تکرار غیرمفید آن است که لفظ برای غیر معنا باشد که در این حالت تکرار پوچ و بی‌معناست» (ابن الأثیر، بی‌تا: ۴)؛ و کتاب «قضایا الشعر المعاصر» اثر نازک الملائکه (۱۹۸۳م) که وی بر اساس معیارهای دلالتی، اسلوب تکرار را به سه دسته: تکرار بیانی و تکرار تقسیم و تکرار شعوری تقسیم‌بندی نموده و در این راستا به طور مفصل‌تر انواع تکرار و اسلوب‌های آن را تحقیق و بررسی می‌کند (ر ک: الملائکه، ۱۹۶۷م: ۲۵۷-۲۴۶)؛ سپس کتاب «القصیده العربیة الحدیثة بین البنیة الدلالية و البنیة الإیقاعیة» اثر محمد صابر عبید (۲۰۰۱م) که در آن به معرفی انواع تکرار پرداخته و به طور مشخص تکرار هندسی را به انواع مختلف تقسیم‌بندی کرده است (ر ک: عبید، ۲۰۰۱ م، ۲۱۶-۱۹۰)؛ و کتاب «ساختار هندسی سوره‌های قرآن: پیش درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم» اثر محمد خامه‌گر (۱۳۹۲ش) که ضمن اشاره به دلایل موافقان و مخالفان فرضیه ساختاری بودن سوره‌های قرآن، به معنا و مفهوم ساختار هندسی سوره‌ها و پیامدها و کارکردهای ترسیم ساختار هندسی سوره‌ها می‌پردازد.

همچنین محققان از متون قرآنی غافل نبوده‌اند و کارکرد اسلوب تکرار را در این کتاب مقدس از جهاتی بررسی کرده‌اند؛ مانند پایان‌نامه کارشناسی ارشد «اسلوب التکرار فی القصه القرآنیة: قصة موسی نموذجاً» نوشته حفیظه عبدلوی (۲۰۰۱م)، نویسنده تکرار لفظی، معنوی و اغراض آن را در داستان‌های قرآنی بررسی می‌کند؛ پایان‌نامه «نقد و بررسی ساختار هندسی سوره‌ها با محوریت سوره محمد(ص)» نوشته فهیمه گرجی به راهنمایی محمد رضوی، (۱۳۸۹ش)، وی در این پژوهش می‌کوشد تا انسجام

سوره‌های قرآنی را بر مبنای نظریه ساختار هندسی قرآن نشان دهد؛ و مقاله «نظریه هندسه چندوجهی سوره‌های قرآن» نوشته حمید سعیدبخش، (۱۳۸۸ش)، نویسنده در این مقاله با تأکید بر اتصال و درهم‌تیدگی موضوعات قرآن، از انسجام و هندسه‌وار بودن سوره‌های قرآنی دفاع می‌کند. همان‌طور که اشاره شد پژوهش‌هایی در باب انسجام قرآن کریم انجام شده است، اما از این زاویه که در سوره بقره برخی از آیات و مفاهیم به صورت هندسی‌وار تکرار شده‌اند و در جلب توجه خواننده تأثیرگذار هستند، مطالعه‌ای صورت نگرفته است. بنابراین آنچه این جستار را متمایز می‌نماید تازگی موضوع است، با این امید که نتایج آن مفید باشد.

۲. دانشنامه سوره بقره

سوره بقره دومین و طولانی‌ترین سوره قرآن است، این سوره به دلیل روایت داستانی کوتاه از کشتن گاو در نیمه اول، سوره بقره نامیده شده است. این سوره مبارکه شامل ۲۸۶ آیه است و از لحاظ داستان‌ها و موضوعات اعتقادی، عبادی، اجتماعی و اقتصادی که مطرح می‌کند سوره جامعی محسوب می‌شود؛ هرچند که این سوره مدنی به صورت پراکنده نازل شده است. به‌طور کلی خداوند در سوره مبارکه بقره به این موضوعات اشاره داشته است: بحث‌هایی پیرامون «توحید و شناسایی خدا؛ معاد و زندگی پس از مرگ؛ اعجاز قرآن و اهمیت آن؛ یهود و منافقان و اقدامات آن‌ها در برابر اسلام؛ تاریخ پیامبران بزرگ، به‌ویژه حضرت ابراهیم و حضرت موسی؛ احکام نماز؛ احکام روزه؛ جهاد در راه خدا؛ حج و تغییر قبله؛ ازدواج و طلاق؛ احکام تجارت و دین؛ احکام ربا؛ انفاق در راه خدا؛ قصاص؛ گوشت‌های حرام؛ قمار؛ شراب؛ احکام وصیت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۵۸). بنابراین نمی‌توان یک مفهوم مشخص از سوره بقره برداشت کرد زیرا این سوره مبارکه بیانگر موضوعات و احکام متنوعی است و هر بخش از آن به موضوعی متفاوت اختصاص دارد؛ اما می‌توان به این نکته اشاره داشت که بخش اعظم سوره بقره با محوریت موضوع ایمان به خداوند و عبادت حقیقی خداوند است.

۳. تعریف لغوی تکرار

واژه تکرار از ریشه «کر» است که در فرهنگ لغت‌های مختلف از یک تعریف لغوی نسبتاً مشابه برخوردار است و به‌طور کلی به معنای اعاده و بازگشت چیزی به صورت پیاپی است. این‌منظور معتقد

است که تکرار به معنای «چیزی را پی‌درپی بازگشت دادن است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۱۳۵)؛ همچنین فرهنگ لغت «المنجد» تعریفی مشابه با تعریف ابن منظور ارائه می‌دهد، تکرار به معنای چیزی است که «آن را پیاپی اعاده و بارها تکرار نمود» (معلوف، ۱۹۲۷م: ۶۷۸). طبق تعریف جرجانی، تکرار در اصطلاح: «عبارت است از بازگشت چیزی برای بار دیگر» (جرجانی، ۱۹۸۵م: ۶۸)؛ و ابن حجة الحموی «در خزانه الأدب و غایه الأرب» تعریف جامع و کاملی از تکرار مطرح کرده است: «هنگامی که متکلم یک لفظ معین را به صورت لفظی و معنوی تکرار کند و مقصود از تکرار وصف یا ذم یا ترساندن یا تهدید یا انکار یا توبیخ یا استبعاد یا غرض دیگری باشد» (ابن حجة الحموی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۴۴۹). اما در زبان و ادبیات تعریف‌هایی نسبتاً مشابه از سوی علمای بلاغت قدیم و جدید مطرح شده است؛ ابن اثیر (۵۵۸ق-۶۳۷ق) معتقد است که تکرار به معنای «دلالت پیاپی لفظ بر معنا است، بدین صورت که در جمله (أسرع أسرع) لفظ یکسان است اما معنی تکرار می‌شود» (ابن الأثیر، بی‌تا، ج ۳: ۴). همچنین در عصر جدید، صاحب‌نظران علم بلاغت این تعاریف را با تعبیری متفاوت ارائه کرده‌اند؛ علی‌الجندی در کتاب «البلاغه الغنیة» معتقد است که «تکرار یا تکریر دلالت پیاپی لفظ بر معنا است و به منظور تأکید بر غرضی از اغراض و یا مبالغه در کلام است» (الجندی، ۱۹۶۶م: ۲۰۱). با توجه به این تعاریف لغوی و اصطلاحی، تکرار به معنای اعاده و تکرار مجدد کلمه یا کلماتی مشخص است که این الفاظ تکرارشونده نوعی تأکید و تقریر بر نکته و موضوع مورد نظر است.

۴. انواع تکرار هندسی و اهمیت آن

تکرار هندسی در واقع «شیوه‌ای از تکرار است که بر پایه شکل خارجی و ظاهری متن شکل می‌گیرد و ادیب با تکرار کلمه یا عبارتی معین، نوعی از تکرار هندسی را خلق می‌کند تا بتواند متن را به سوی دیدگاه و زاویه دید مورد نظر هدایت کند یا بر موضوع مورد نظر تأکید کند؛ چرا که با تکیه بر تکرار هندسی و بدون صراحت و فصاحت کلام، مخاطب درک کاملی از شدت احساسات و عواطف کلام خواهد داشت» (السید، ۱۹۸۶م: ۲۸۲).

تکرار همواره مورد توجه پژوهشگران قدیم و جدید بوده است و از جاحظ به عنوان یکی از صاحب‌نظران اولیه، در باب تکرار یاد می‌شود؛ وی معتقد است که «پدیده تکرار عیب محسوب نمی‌شود تا زمانی که در راستای تقریر معنا، یا خطاب قرار دادن ساده لوح یا غافل باشد و این تکرار و اعاده کلام

ناپسند و ایراد نیست تا زمانی که از حد لزوم تجاوز ننماید» (الجاحظ، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۷۹). همچنین ابن‌رشیق قیروانی اولین نقد پرداز و عالم به علم بلاغتی است که با ارائه تقسیم‌بندی این آرایه را مورد بررسی قرار داده است. وی تکرار را به دو نوع: تکرار در لفظ، تکرار در معنا و از لحاظ فنی به دو نوع: تکرار حسن و تکرار قبیح تقسیم می‌کند (ر ک: ابن رشیق، ۱۹۰۷م، ج ۲: ۵۹).

ابن‌اثیر نیز مانند ابن‌رشیق تکرار را به دو نوع تقسیم می‌کند، با این تفاوت که آن‌ها را تکرار مفید و تکرار غیرمفید می‌نامد، بدین صورت که «تکرار مفید با هدف تأکید و استحکام ساختار کلامی به کار برده می‌شود، اما تکرار غیرمفید تأثیر مثبت و مفیدی در سخن ندارد و در جایگاه غیرضروری استفاده شده است» (ابن الاثیر، بی‌تا، ج ۳: ۴۰). تکرار غیرمفید یا به اعتقاد ابن‌رشیق تکرار قبیح در واقع همان اطناب یا حشوی است که برخی از علما به آن اشاره داشته‌اند و کلمات یا عبارات تکرار شونده را زیاده‌گویی دانسته‌اند که محل فصاحت کلام است و از ارزش کلام می‌کاهد؛ اما تکرار مفید که مقصود اصلی شاعر یا نویسنده است با هدف غنای کلام به وفور استفاده می‌شود زیرا فن تکرار به نوعی تأکیدی است بر برخی کلمات یا جملات کلیدی و این یادآوری و تأکید معنا را رساتر و زیباتر نشان می‌دهد؛ همچنین علاوه بر تکرار و تأکید معنا، موسیقی و آهنگی را متناسب با مفهوم تولید می‌کند که منجر به تأثیر مضاعف کلام می‌شود. سیوطی در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» با تایید تأثیر مثبت تکرار، به این موضوع اشاره می‌کند که «تکرار بلیغ‌تر از اسلوب تأکید است و از محاسن فصاحت کلام به شمار می‌رود» (السیوطی، ۱۹۹۸م، ج ۳: ۱۹۹).

در عصر جدید، هر چند که صاحب‌نظران دنباله‌رو آراء عالمان پیشین بوده‌اند، اما تفاوت‌هایی میان آراء علمای عصر جدید و قدیم وجود دارد. امروزه بر خلاف دیدگاه گذشته، به تقسیم‌بندی‌ها و تکرار غیرمفید یا تکرار قبیح کمتر توجه می‌شود و به‌طور کلی آرایه تکرار به عنوان یک اسلوب مفید کاربرد دارد. از میان آن‌ها نازک الملائکه ناقد و شاعر نوگرای عرب معتقد است اسلوب تکرار به عنوان یکی از محاسن شعر یا نثر می‌تواند منتقد را در تحلیل یک اثر ادبی یاری دهد و «اسلوب تکرار در متن شامل انواع اسلوب‌ها و فنون ادبی مختلف می‌شود و این نکته اسلوب تکرار را از سایر متون ادبی متمایز می‌کند و تکرار در شعر یا کلام می‌تواند بر غنای معنا بیفزاید و بدین‌صورت نویسنده بر مقصود خود سیطره یابد اگر که تکرار در جایگاه مناسب انجام شود» (الملائکه، ۱۹۸۳م: ۱۹۰)؛ عبدالحمید

جیده نیز در کتاب «الاتجاهات الجديدة في الشعر العربي المعاصر» از تکرار به عنوان یک اسلوب با دو وجه فنی و روانی یاد می‌کند و معتقد است: «تکرار دارای جنبه‌های فنی و روانی است که بر اهمیت موضوع مورد بحث دلالت می‌کند: موضوعاتی منفی یا مثبت، خیر یا شر، زیبا یا زشت؛ و این اسلوب تکرار را سیطره‌ای است بر حواس و قدرت تفکر انسان» (جیده، ۱۹۸۰م: ۶۷) و بالطبع تعداد دفعات تکرار، ارزش و اهمیت موضوع را نشان می‌دهد. بنابراین پژوهشگران و منتقدان در عصر جدید به تبعیت از صاحب‌نظران پیشین تکرار را به عنوان یک پدیده زبانی می‌شناسند و همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که «تکرار از قوی‌ترین عوامل تأثیرگذار است و بهترین وسیله‌ای که عقیده یا فکری را به کسی القا می‌کند» (علی‌پور، ۱۳۷۸ش: ۸۹)، اما با این تفاوت که در عصر جدید تکرار را یک اسلوب مفید و کاربردی در ارزیابی آثار ادبی و به دور از تطویل کلام می‌دانند و همچنین با پیشی گرفتن از قدما تکرار را بر اساس معیارهایی معین دسته‌بندی کرده‌اند.

نازک الملائکه در کتاب «قضایا الشعر المعاصر» خیلی گذرا و بدون تقسیم‌بندی منسجم به پدیده تکرار هندسی به عنوان زیرمجموعه تکرار تقسیم اشاره کرده است (الملائکه، ۱۹۸۳م: ۲۵۰-۲۵۲)؛ اما صابر عبید تقسیم‌بندی روشن و کاملاً مجزا از تکرار ارائه می‌کند. او تکرار هندسی را در ۶ نوع متفاوت معرفی کرده است و وجه تسمیه تکرار هندسی را نوع چیدمان هندسی و قانون‌مند کلمات می‌داند که بر اساس موقعیت آن‌ها در کلام به انواع مختلفی تقسیم می‌شود، یعنی: تکرار استهلالی، تکرار ختami، تکرار هرمی، تکرار دایره‌ای و تکرار تراکمی (ر.ک: عبید، ۲۰۰۱م: ۱۹۳-۲۲۱)، که اکنون به بررسی انواع مختلف این نوع تکرار در سوره بقره می‌پردازیم.

۱-۴. تکرار استهلالی

نازک الملائکه تکرار استهلالی را ساده‌ترین شیوه تکرار هندسی می‌داند و آن بدین گونه است که «یک کلمه در ابتدای هر بیت از مجموعه ابیات متوالی از قصیده تکرار شود، که در شعر معاصر شایع شده است و شاعران تازه‌کار تلاش می‌کنند تا با کمک گرفتن از تکرار استهلالی به قصیده ضعیفشان ریتم آهنگ و موسیقی ببخشند» (الملائکه، ۱۹۸۳م: ۲۳۱)، از نظر نازک الملائکه تکرار کلمات در ابتدای جملات متوالی کار یک تازه‌کار است و ابزاری است برای جلب توجه مخاطب، اما نمی‌توان معجزه پیامبر اسلام و کلام آسمانی را مصداقی برای این کلام دانست چرا که این شیوه از بیان کلام

به‌درستی و دقیق به کار گرفته شده است. در واقع، هدف از کاربرد تکرار استهلالی «آغاز کردن مقاطع کلامی است و این تکرار در ابتدای کلام در واقع تننگری بر این است که مطلبی جدید بر موضوع اصلی کلام اضافه می‌شود» (همو، ۱۹۶۷م: ۲۵۰)؛ بر این اساس، قرآن کریم مصداقی بارز برای تکرار استهلالی و کاربست دلالی آن است. از نمونه‌های تکرار استهلالی که در ابتدای سوره بقره آمده است:

(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۴۳﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ) (بقره/ ۴۳)

این دو آیه بر محور معرفی صفات مؤمنان می‌چرخد و ویژگی آن‌ها را در پنج مورد عنوان می‌کند و همان‌طور که در شکل زیر دیده می‌شود، خداوند ویژگی‌های بارز مؤمنان را ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق، ایمان به پیامبران پیشین و ایمان به رستاخیز می‌داند:

الغیب	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ —
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ	
يُنفِقُونَ	
بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ	
بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ	

نکته اصلی در این است، که هر دو آیه با «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ —» آغاز شده و قرآن کریم با ذکر «الَّذِينَ» بر جمع بودن و تعداد بالای افراد باایمان اصرار دارد تا مبادا شک و شائبه‌ای در کثرت و تعدد آن‌ها پیش آید. سپس به‌طور مجدد فعل «یؤمنون» را به صورت جمع تکرار می‌کند و بر مفهوم ایمان حقیقی و مؤمن بودن این جماعت اصرار می‌ورزد. بدین ترتیب این آغاز تکراری آیات در واقع اشاره‌ای واضح است به این‌که این صفات و ویژگی‌ها منحصر به پرهیزگاران راستین است و تکرار مجدد جمله «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ —» توانسته است تا با هدف تأیید و تقریر، بر حقیقی بودن اعتقاد قلبی آن‌ها به خداوند صحه بگذارد. همان‌طور که در تعریف آن آمده است: «ایمان، عبارت است از جای‌گیر شدن اعتقاد در قلب و شخص با ایمان، به کسی که به‌درستی و راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده و هرگز در اعتقاد خودش دچار شک و تردید نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۵). هم‌چنین در بخش دیگری از سوره بقره، تکرار استهلالی در آیات زیر دیده می‌شود:

﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ ﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَغَرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ ﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾ ﴿ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِمَّنْ بَعْدَ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ ﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ (بقره/ ۴۹-۵۵)

همان طور که ملاحظه می‌شود، این آیات بر مبنای تکرار استهلالی ظرف زمان (إذ) آغاز شده است:

نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ	إذ
فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ	
وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً	
آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ	
قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ	
قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ	

در این بخش از سوره بقره، خداوند متعال با اشاره به نعمت‌های خداوند به سوی قوم بنی‌اسرائیل، نجات یافتن قوم بنی‌اسرائیل از غرق شدن در دریا، نزول کتاب آسمانی برای هدایت مردم، به حق‌ستیزی قوم یهود و بهانه‌جویی‌های آن‌ها در برابر پذیرش دین اسلام پاسخ می‌دهد. از این رو ضمن روایت خبری جریانات گذشته، تمامی آیات با «إذ» آغاز شده است، که کاربرد این ظرف زمان «فقط برای اشاره به یک واقعه گذشته است» (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج: ۱، ۱۶۰). بنابراین آیات به صورت متوالی آغازی مشابه دارند و این تکرار استهلالی «إذ» به منظور یادآوری گذشته قوم بنی‌اسرائیل است و «به آنها هشدار می‌دهد که شما یک بار در تاریختان بر اثر اغواگری مفسدان گرفتار چنین سرنوشتی شدید اکنون بیدار باشید راه توحید خالص (راه اسلام و قرآن) به روی شما گشوده شده، آن را رها نکنید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج: ۱، ۲۹۲). نمونه دیگری از تکرار استهلالی نیز بدین شکل آمده است:

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّذِينَ وَاللَّذِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ
وَمَا تَعْلَمُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٥٦﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ
اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٥٧﴾

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ
مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْنَتْكُمْ مِنْهُ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (بقره / ۲۱۷-۲۲۰)

خداوند متعال در آیات ۲۱۵ تا ۲۲۲ به قوانین اسلام می‌پردازد. بدین صورت که در این آیات بیشتر جملات با فعل «یَسْأَلُونَكَ» و طرح سوال آغاز شده است و احکام دینی و شرعی در قالب پرسش و پاسخ‌های متوالی مطرح می‌شود:

یَسْأَلُونَكَ	ماذا ینفقون
	الشهر الحرام
	الخمير و الميسر
	ماذا ینفقون
	الیتامی

همانطور که به‌وضوح تکرار فعل مضارع «یَسْأَلُونَكَ» در ابتدای هر جمله و موضوع جدید دیده می‌شود، به‌طور مکرر سؤالاتی درباره احکام دینی از سوی مردم خطاب به پیامبر اسلام مطرح می‌شود. اما در راستای تکرار استهلالی و این همانندی در ابتدای کلام استنباط می‌شود که موضوع نوع بخشش و انفاق، موضوع جایز یا حرام بودن جنگ در ماه‌های حرام، حکم نوشیدن شراب و قماربازی و ازدواج با یتیمان از دغدغه‌های مهم مردم در آن زمان بوده است که می‌بایست سریع‌تر پاسخ سؤالات خود در ارتباط

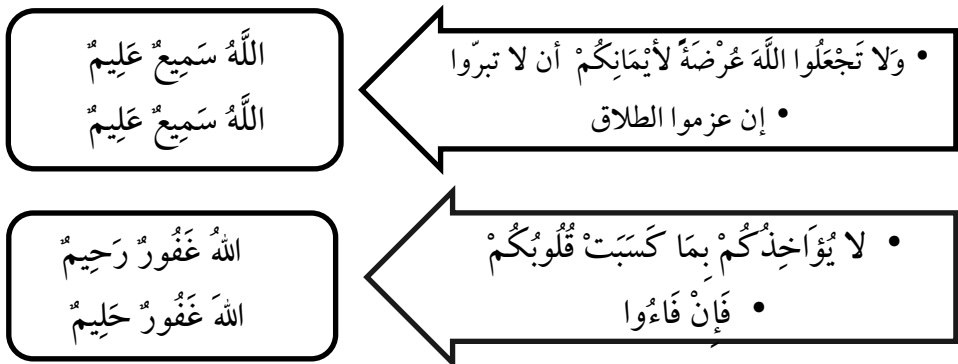
به این مسائل را دریافت می‌کردند. همان‌طور که مکارم شیرازی در تفسیر نمونه به این موضوع اشاره می‌کند و تکرار استهلالی فعل «یسألونک» را این‌گونه تحلیل می‌کند: «واقعاً مردم گرفتار این چهار مسئله و درگیر با آن‌ها بودند، لذا پی‌درپی دربارهٔ این چهار موضوع سؤال می‌کردند و توجه داشته باشید که «یسألونک» فعل مضارع و این احتمال نیز وجود دارد که این هر چهار مورد به نحوی با مسائل مالی مربوط است، شراب و قمار، مایه تباهی اموال و انفاق مایه شکوفایی آن و سرپرستی یتیمان، ممکن است مفید و یا مخرب باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲: ۱۲۳). لذا این تکرار استهلالی، دال بر تأکید و اصرار مردمی است که خواستار پاسخ و رهنمون از جانب خداوند هستند؛ و طبیعتاً با تکرار متوالی «یسألونک» در ابتدای هر موضوع، آیات از بلاغت و تأکیدی فراتر از اسلوب تأکید خواهند داشت. از جمله شواهد دیگری که تکرار استهلالی در آن نمود پیدا کرده است می‌توان به این آیات اشاره کرد: آیات (۵۸ تا ۶۳)، آیات (۶۷ تا ۷۰)، آیات (۱۲۴ تا ۱۲۷)، آیات (۱۴۹ و ۱۵۰)، آیات (۲۳۵ و ۲۳۶)، آیات (۲۶۰ و ۲۶۱).

۴-۲. تکرار ختامی

همان‌طور که از نام این شیوه از تکرار مشخص است، به‌گونه‌ای دیگر از تکرار هندسی که در آن کلمه‌های تکرارشونده به‌صورت پشت سر هم در پایان مقطع می‌آید تکرار ختامی گفته می‌شود. در واقع «این نوع از تکرار نقش فنی فراوانی را در متن ایفا می‌کند و در واقع آرایه‌ای است عقاید و احساساتی که از وجود شاعر نشأت می‌گیرد را سازمان‌دهی می‌کند، تا در این نوع تکرار بعضی از کلمات را با توجه به تأثیر عاطفی و روانی آن‌ها بر خودش تکرار کند» (شریح، ۲۰۱۱م: ۱۸۱-۱۸۲). تکرار ختامی به صورت ضربه نهایی ظاهر می‌شود و نویسنده یا شاعر در پایان جملات یا ابیات پی‌درپی کلماتی کلیدی را تکرار می‌کند که بیانگر احساسات و مفهوم کلی کلام است. به همین دلیل، تکرار ختامی همواره از توجه زیادی برخوردار است، به ویژه در قرآن که به وفور دیده می‌شود و تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تأکید و تقریر مفاهیم و افکار مورد نظر دارد، همان‌طور که در این آیات مشهود است:

(وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۲۷﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۲۲۸﴾ لِلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۲۹﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۳۰﴾ (بقره/ ۲۲۴-۲۲۷)

آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷ به مسئله حرمت قسم و طلاق اشاره دارد و خداوند متعال مردم را از سوگند به نام خداوند و دوری از همسر منع می‌کند و اشاره می‌فرماید در صورت پشیمانی بخشش شامل حال آنان خواهد شد و در غیر این صورت، بدون شک خداوند بر همه امور آنان آگاه خواهد بود. نکته قابل توجه، صفات خداوند در قالب تکرار ختami در انتهای آیات ظاهر می‌شود و خداوند در پایان هر یک از این مفاهیم دو صفت «غفور» و «سمیع» بودن خویش را تکرار می‌کند:



آنچه در این آیات مهم و قابل توجه است کاربرد و تأثیر تکرار ختami است، زیرا برخلاف سادگی و آسانی ظاهری آن، در واقع این‌گونه از تکرار کلام عملکردی به شدت قاطع دارد؛ بدین صورت که در آیه ۲۲۴ و ۲۲۷، پس از آن‌که خداوند متعال مردم را از سوگند خوردن برای امتناع از نیکی‌ها نهی می‌کند، یا بعد از اشاره به تصمیم مرد برای طلاق گرفتن، در قالب تکرار ختami مکرراً بر صفت «سمیع» و «علیم» بودن خویش تأکید می‌ورزد، با این امید که این جمله کوتاه حسن ختام یا تلنگری بر مردم باشد، تا آگاهی خداوند بر همه‌چیز را از یاد نبرند، از سوگند نادرست بپرهیزند و طلاق را گریزگاهی نپندارند. اما در آیات ۲۲۵ و ۲۲۶ شاهد پایانی غافلگیرانه هستیم، زیرا پس از اشاره به سوگند لغو و بازگشت مرد -بازگشت مرد به سوی همسر، پس از سوگند بر ترک وی- به سوی همسرش، خداوند با تکرار «غفور» بر بخشش خویش تأکید می‌کند. همان‌طور که در تفاسیر به پایان- بندی این آیات اشاره شده است، به عقیده حسینی شیرازی مفسر کتاب «تقریب القرآن إلى الأذهان» تکرار کلمه غفور در واقع «فتح باب توبه است در برابر کسانی که نافرمانی از حق کرده‌اند» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج: ۱، ۲۵۰). «سمیع» و «علیم» و «غفور» بودن خداوند حتی در تکرار مجدد با تأکید

حرف «ان» همراه شده‌اند و این تکرار مجدد «سمیع» تلنگری است بر مخاطب تا سنجیده عمل کند یا به عبارتی دیگر، هشدار برای مخاطب تلقی شود؛ و در ادامه هدف از تکرار صفت «غفور» یادآوری غفران و گذشت خداوند سبحان از خطاهای انسان است. هم‌چنین در پایان آیات ۲۴۴ تا ۲۴۷ نیز دیده می‌شود که صفت «علیم» در قالب جملاتی مشابه در پایان آیات تکرار می‌شود:

(وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۹۵﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ائْتِنَا بِآيَاتٍ مِمَّا نُنَادِيكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَيَّ كُفْرًا أَنْ نَبْعَثَ لَكُمْ تَفَاتُلًا قَالُوا أَفَتَأْتِنَا بِلُحِيِّ إِسْرَائِيلَ وَأَنْتَ مُنَادٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنَ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءَنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا قَالُوا إِنَّهُمْ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۴۴-۲۴۷﴾)

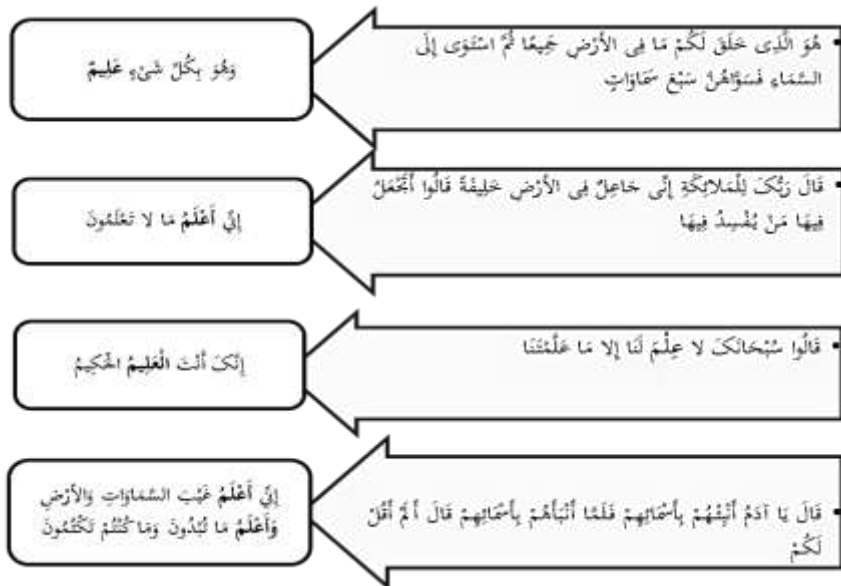
در این آیات، خداوند متعال همه را به جهاد در راه حق دعوت می‌نماید و عدم جهاد در برابر دشمنان را ذلتی مذموم قلمداد می‌کند؛ لذا به منظور خاتمه دادن بر این بهانه‌تراشی‌های بی‌پایه، با تکرار متوالی صفت «علیم» در پایان هر آیه و در ساختار یک جمله اسمیه که دال بر ثبوت است، بر قدرت آگاهی و احاطه همیشگی خویش بر همه امور تأکید می‌ورزند. بدین‌گونه که خداوند متعال در ابتدا توانایی شنوایی و آگاهی خویش بر بهانه‌ها و سپس علم بر پیمان‌شکنان و شعاردهندگان بی‌عمل که همان ظالمان هستند را بر بهانه‌جویان راه جهاد یادآور می‌شود و در نهایت با ذکر کلمه (واسع) در جمله «وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» بر دو تکرار ختامی پیشین صحنه می‌گذارد. همان‌طور که در تفسیر نور به تفکیک به این تکرار ختامی اشاره شده است، از این‌رو که «به‌مراتب بر تأکید و بار معنایی این تکرار ختامی صفت «علیم» افزوده می‌شود و به نوعی تأکید نهایی بر علم بی‌نهایت و نامحدود خداوند است» (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۱: ۳۸۷-۳۸۶).

اما علاوه بر تکرار لفظی کلمات، مفاهیم و صفاتی هم دیده می‌شود که در پایان آیات متوالی تکرار شده است. در بخش‌هایی از سوره بقره دیده می‌شود که خداوند متعال می‌فرماید:

(هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۹۵﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا

وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۴﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۳۵﴾ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (بقره / ۲۹-۳۳)

همان‌طور که در این آیات دیده می‌شود، خداوند پس از اشاره به موضوعات مختلف دنیایی و سیطره خود بر تمامی امور را به صورت تکرار ختامی در پایان آیات یادآور می‌شود.



همان‌طور که به تفکیک اشاره شد، خداوند متعال پس از اشاره به خلقت آسمان و زمین و قدرت بی‌منتهای خود؛ و نبوت پیامبران بر روی زمین؛ و همچنین بعد از اشاره به عجز فرشتگان در آگاهی به همه حقایق؛ و آموزش تمامی اسرار هستی و فلسفه حیات به پیامبران، در انتهای تمامی آیات تنها یک نکته را تکرار می‌کند و بر موضوع سیطره خداوند به تمامی امور و دانایی مطلق خداوند با استفاده از تکرار ختامی تأکید می‌ورزد، بدین صورت که تکرار مفهوم عالم بودن خالق هستی از سوی پروردگار با ضمیر متکلم در جمله «إِنِّي أَعْلَمُ» نمود می‌یابد و با ضمیر غائب «هو» در جمله «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» که «اشاره‌ای است به ذات» (میبیدی، ۱۳۷۱ش، ج: ۱، ۱۲۴)؛ اما در جمله «أَنْتَ الْعَلِيمُ» با ضمیر

مخاطب که از سوی فرشتگان بیان می‌شود. پروردگار در این راستا به‌طور مکرر بر این نکته اصرار می‌ورزد که بی‌شک فقط خداوند سبحان است که آگاهی بر همهٔ امور دارد و هیچ چیزی بر او پوشیده نیست و این مسألهٔ مهم را در پایان این آیات و با کلمات و عباراتی متفاوت و از جانب سه گوینده با سه مقام و مرتبهٔ متفاوت تکرار می‌کند، البته این تکرار مفهوم واحد و تفاوت در چینش کلمات بالطبع قابل توجه است؛ چرا که به هرنحوی علم و آگاهی خداوند را یادآوری می‌کند و بر آن اصرار می‌ورزد. بنابراین هرچند که تکرار ختامی نسبت به سایر تکرار هندسی آسان به نظر می‌رسد اما از اثرگذاری آن نمی‌توان غافل شد؛ چرا که کلمات و عبارات پایانی کلام، آخرین چیزی هستند که در ذهن مخاطب باقی می‌ماند و حتی می‌تواند جوهر کلام و تأکیدی بر تمام جملات پیشین باشد؛ به تعبیر نازک الملائکه، «تکرار ختامی که به صورت حکم نهایی کلام کاربرد دارد در واقع حکم نقطه در پایان کلام را دارد» (الملائکه، ۱۹۸۳م: ۲۵۰) و این تکرار و تأکید دقیقاً همان مسئله‌ای است که در قرآن به وفور دیده می‌شود و در راستای حکم نهایی مفاهیم به خدمت گرفته شده است که با محوریت بیان صفات خداوند در قالب جملاتی مشابه در اغلب آیات دیده می‌شوند؛ از جمله: آیات (۵۰ تا ۵۶)، آیات (۹۱ تا ۹۴)، آیات (۲۲۴ تا ۲۲۸)، آیات (۲۳۳ و ۲۳۴)، آیات (۲۸۲ و ۲۸۳).

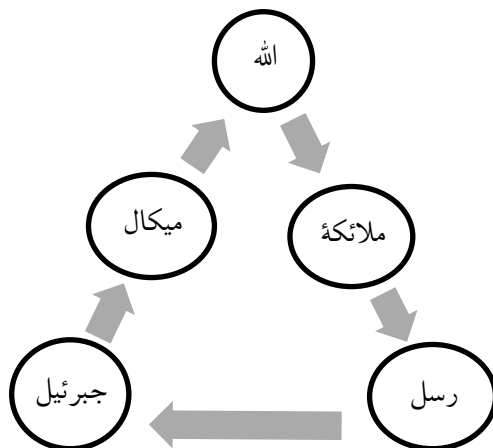
۳-۴. تکرار هرمی

تکرار هرمی یا پله‌ای سبکی دیگر از انواع تکرار است که استفاده از آن نیاز به مهارت بسیار بالایی دارد؛ زیرا از لحاظ شکل ظاهری از نوعی پیچیدگی برخوردار است که آن را از سایر تکرارهای هندسی متمایز می‌کند، «این پیچیدگی نقشی بنیادین در ابلاغ رسالت شعر ایفا می‌کند، این قدرت ابلاغی عمدتاً برگرفته از تأثیر موسیقایی است که تکرار هرمی در قصیده به وجود می‌آورد. تکرار هرمی به هندسه‌ای خاص ملزم است که نوع شعر و سبک و ساختار آن قصیده را در قالب هندسی خاصی معماری می‌کند و غالباً با ویژگی‌های منحصر به فرد قصیده تطابق و هماهنگی دارد» (قرانی، ۲۰۰۳م: ۱۳۷). بنابراین، هرچند این پژوهش رویکردی جزئی‌نگر دارد و مشخصاً الفاظ و جملات را بررسی می‌کند؛ اما شایان ذکر است که این انسجام و ارتباط هرمی در دو جنبهٔ لفظی و معنایی سوره بقره دیده می‌شود و محمد خامه‌گر در کتاب «ساختار سوره‌های قرآن کریم» با ترسیم نمودار به تفصیل به این ساختار هرمی وار مفاهیم مطرح شده در سوره بقره پرداخته است. (رک: خامه‌گر، ۱۳۹۲ش: ۱۴-۱۷)

در بخش‌هایی از سوره بقره این تکرار هرمی و کلماتی که از کل به جزء ذکر می‌شوند وجود دارد. به عنوان شاهد این شیوه از تکرار هندسی، خداوند در بخشی از سوره بقره به بهانه‌های یهودیان پاسخ می‌دهند و می‌فرماید:

(مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ) (بقره / ۹۸)

خداوند متعال در آیه ۹۸ از سوره بقره، ادعای یهودیان را رد می‌نماید؛ و این ادعا مبنی بر این است یهودیان دوست میکائیل و نسبت به جبرئیل دشمن هستند. اما همان‌طور که در شکل زیر آمده است خداوند فرشتگان و رسولان را بر اساس مراتب و درجات تقرب ذکر می‌کند و با اشاره به این چرخه مراتب فرشتگان، به این ادعا پاسخ می‌دهد.

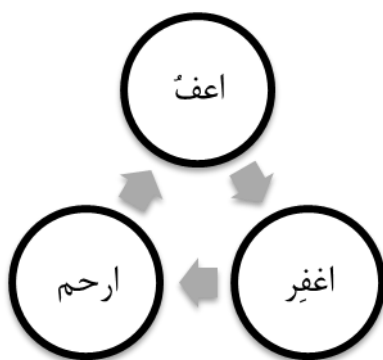


خداوند برای این که به روشنی برای یهودیان بهانه‌جو این مسئله روشن شود که دوستی یهودیان با میکائیل بهانه‌ای بیش نیست، با استفاده از تکرار هرمی به زیبایی این ادعا را رد می‌کند؛ چرا که خداوند از کل به جزء و به ترتیب درجات را ذکر می‌کند و می‌فرماید کسانی که دشمن میکائیل هستند دشمن جبرئیل هستند و کسانی که دشمن جبرئیل هستند دشمن پیغمبران هستند و کسانی که دشمن پیغمبران هستند دشمن فرشتگان هستند و کسانی که دشمن فرشتگان هستند بالطبع دشمن خداوند هستند. در این آیات تمامی این مراتب با حرف (واو) عطف به یکدیگر شده‌اند زیرا «ایمان و تولی، نسبت به همه مقدسات لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ لازم است» (قرآنی، ۱۳۸۳ش، ج: ۱، ۱۶۶)؛ بنابراین این تکرار هرمی

معانی و ذکر مراتب پایین تر دال بر این پیام است که «اینها قابل تفکیک نیستند: الله، فرشتگان او، فرستادگان او، جبرئیل، میکائیل و هر فرشته دیگر و در حقیقت دشمنی با یکی دشمنی با بقیه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۳۶۲)؛ هم‌چنین در آیه پایانی سوره بقره آمده است که:

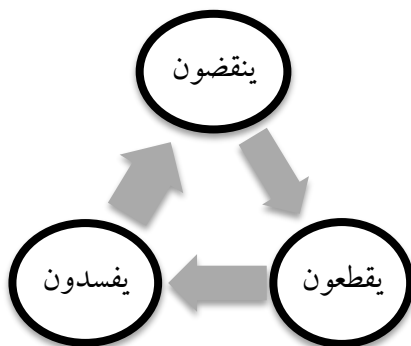
(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَّا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (بقره / ۲۸۶)

سوره بقره با این آیه و درخواست‌های مومنان از خداوند خاتمه می‌یابد، که آخرین درخواست مومنان از خداوند، بخشش و چشم‌پوشی از خطاها و فراموشی‌ها است تا درهای رحمت الهی بر آنان گشوده شود؛ همان‌طور که در این درخواست (وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا) به ترتیب بر مراتب آن افزوده می‌شود:



در این آیه به طور مشخص مومنان درخواست خود را در قالب تکرار هر می مطرح کرده‌اند، یعنی به صورت پلکانی و از جزء به کل طلب رحمت کرده‌اند و هر کلمه معنای کلمه پیشین و درخواست پیشین را در بر گرفته است؛ بر اساس تفسیر المیزان، تکرار هر می در این آیه بدین صورت است که «کلمه (عفو) به معنای محو اثر است و کلمه (مغفرت) به معنای پوشاندن است و کلمه (رحمت) معنایش معروف است، این معنای کلی این کلمات بود؛ و اما به حسب مصداق و با در نظر داشتن معنای لغوی آنها باید بگوئیم: این سه جمله و ترتیب آنها به این صورت از قبیل پرداختن تدریجی از فرع به اصل است و به عبارتی دیگر منتقل شدن از چیزی که فائده‌اش خصوصی است به سوی چیزی که فائده‌اش عمومی تر است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۴۴۵). هم‌چنین در آیات ۲۶ و ۲۷ می‌فرمایند:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ) (بقره / ۲۶ و ۲۷)



در آیه ۲۶ سوره بقره اشاره به این مطلب شده است که خداوند در راستای بیان مقصود و بلاغت کلام هیچ شرم و ابایی ندارد که موجودات کوچک را مثال بزند و چه بسیارند کسانی که با پذیرش این مثل‌های کوچک هدایت شدند و چه بسیارند کسانی که کفر ورزیدند و این مثل‌های کوچک را مورد تمسخر قرار دادند. در قرآن کریم از آن‌ها با عنوان فاسق یاد شده است و با این مقدمه‌چینی در ادامه بعضی از خصوصیات این فاسقان به ترتیب ذکر می‌شود:

در ادامه جمله «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ»، خداوند صفات این فاسقان را به صورت مرحله به مرحله تکرار می‌کند؛ بدین صورت که در ابتدا خیلی جزئی و گذرا می‌فرماید فاسقان همان کسانی هستند که «ينقضون عهد الله» و شکستن پیمان توحید و خداشناسی و بالطبع نافرمانی از حق از صفات آنان است، که در واقع تمام بدی‌های آنان با این عهدشکنی آغاز می‌شود؛ سپس در مرحله بعد «يقطعون ما أمر الله به» و این فاسقان حق‌الناس را رعایت نمی‌کنند و مسائل انسانی را نادیده می‌گیرند؛ سپس خیلی دایره و شمولت این نافرمانی فاسقان گسترده‌تر می‌شود و خداوند با مفهومی جامع‌تر فاسق بودن این جماعت را تکرار می‌کند و می‌فرماید که این دسته از مردم «يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» و آن‌ها «به خداوند و انسان‌ها و طبیعت احترام نمی‌گذارند و آنان غیر از منفعت‌های شخصی خود هیچ چیزی را

نمی‌بینند و هیچ درکی از زندگی ندارند» (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۲۳). بنابراین در این آیه خداوند متعال با استفاده از تکرار هرمی به صفات فاسقان می‌پردازد و مرحله‌به‌مرحله فاسق بودن و گسترده‌تر شدن دایره گناهان و فساد آن‌ها را با بیانی عام‌تر تکرار می‌کند، که این شیوه از تکرار هرمی و مرحله‌به‌مرحله در واقع یکی از زیبایی‌های قرآن است. خداوند با استفاده از این اسلوب گام به گام مخاطب را آگاه می‌کند و از جزء به کل مراتب رسوخ فساد در زندگی انسان‌ها و نابودی پایه‌های حیات فردی و جمعی را معرفی می‌کند. از مصادیق دیگر تکرار هرمی در قرآن کریم می‌توان به آیه (۲۲)، آیه (۶۲)، آیات (۶۷ تا ۷۱)، آیه (۱۵۱)، (۲۱۵)، (۲۱۷) اشاره کرد.

۴-۴. تکرار دایره‌ای

تکرار دایره‌ای یکی دیگر از انواع تکرار هندسی است، که در این ساختار تعدادی از کلمات، به طور متوالی تکرار می‌شوند. طبق تعریف صابر عبید تکرار دایره‌ای «به تکرار یک یا چند جمله شعری در ابتدا و پایان قصیده می‌پردازد، که امکان دارد تکرار در جملات پایانی به‌طور کامل منطبق با جمله‌های تکراری در ابتدای قصیده نباشد و فقط مطابق با بخش زیادی از قصیده و با رعایت اصل تکرار باشد، به این امید که نتیجه‌ای داشته باشد تا تأثیر معنایی و دلالتی قصیده را بیشتر کند» (عبید، ۲۰۰۱م: ۲۰۷)؛ در سوره بقره به دلیل تنوع موضوعاتی که در آن وجود دارد، در برخی از موضوعات تکرار دایره‌ای در آغاز و پایان کلام خداوند دیده می‌شود. این تکرار دایره‌ای بدین صورت است که خداوند متعال برخی از موضوعات را با یک مفهوم آغاز می‌کند و خاتمه می‌دهد، هرچند که تمامی الفاظ یکسان نباشند؛ مانند آیات زیر که می‌فرمایند:

(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ) (بقره/ ۲۴۳)

(فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَتْهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ) (بقره/ ۲۵۱)

در آیات ۲۴۳ تا ۲۵۱ و به منظور اشاره به تحقق پیروزی در جریان جهادی مقتدرانه، خداوند متعال صراحتاً به حوادثی اشاره می‌کند که مایه عبرت انسان هستند و به مواردی چون معجزه زنده شدن دوباره هزاران نفر از مردم، به مقام رهبری رسیدن یک چوپان بواسطه هوش و درایت، معجزه پیروزی

تعداد اندکی از مبارزان جبهه حق بر تعداد پر شمار جبهه باطل، به نبوت رسیدن و برگزیده شدن یک جوان شجاع می‌پردازد. بدین ترتیب خداوند متعال در این چند آیه از سوره بقره به نحوی غیر مستقیم و بواسطه اشاره متوالی به وقایع پندآموز، بر بخشش و قدرت بی‌حد و حصر خویش صحنه می‌گذارد؛ هم‌چنین به صورت مستقیم و با ذکر جمله «اللَّهُ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ» در ابتدای موضوع و جمله «لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» در آیه ۲۵۱، بر فضل خویش و رحمتی که همواره شامل حال بندگان واقع گردیده است، تأکید می‌فرماید؛ و با تکرار دایره‌ای بر این موضوع اصرار می‌ورزند که مردم در دنیا و آخرت مشمول رحمت الهی خواهند شد و «کافران را از اقدام به فساد منع می‌فرمایند» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق: ۵۲).

از نمونه‌های دیگر تکرار دایره‌ای در آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴ دیده می‌شود که در آغاز و پایان آیات تکرار دیده می‌شود:

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره / ۲۶۱)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره / ۲۷۴)

خداوند ۱۴ آیه از سوره بقره را به موضوع احکام انفاق اختصاص داده است و در این آیات فضیلت انفاق در هر شرایطی را متذکر می‌شود. بدین صورت که آیه نخست با ذکر «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» و اشاره به پاداشی مضاعف که در ازاء انفاق شامل حال صدقه‌دهندگان می‌شود، آغاز می‌شود؛ هم‌چنین با جمله «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» در آیه پایانی به طور مجدد این اجر و پاداشی که در نزد خداوند برای آن‌ها محفوظ است را یادآوری می‌کند. همان‌طور که در تفسیر صراحتاً به این تکرار و تأکید بر موضوع انفاق اشاره شده است؛ بدین گونه که این آیه تأکیدی بر آیات پیشین و اصرار ورزیدن بر فضیلت انفاق است (ر ک: مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۴۲۸). علاوه بر این دو نمونه ذکر شده، از جمله آیات دیگری که تکرار دایره‌ای در آن نمود پیدا کرده است می‌توان به این موارد اشاره کرد: تکرار آگاهی خداوند بر امور پنهانی در آیات (۷۲ تا ۷۷)؛ جاودانگی در آتش جهنم پس از ارتکاب به گناهی نابخشودنی و

عدم یاری آن‌ها از سوی خداوند در آیات (۸۱ تا ۸۶)؛ عدم ایمان فاسقان به کتاب آسمانی و خسران آنها در آیات (۹۸ تا ۱۲۱)؛ روزی حلال در آیات (۱۶۸ تا ۱۷۲).

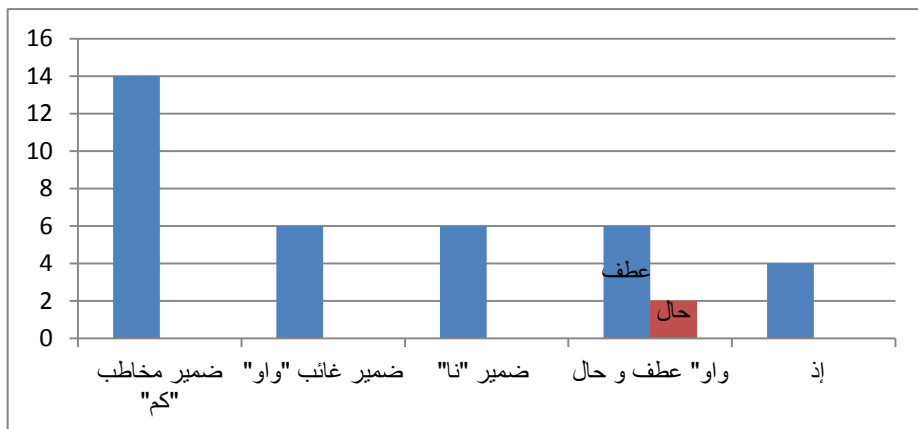
۴-۵. تکرار تراکمی

تکرار متراکم به صورت تکرار غیرمنظم واژگان یا جمله‌ها ظاهر می‌شود و شاعر یا نویسنده «در این نوع از تکرار بر آن است تا تعدادی از واحدهای واژگانی را تکرار کند و این تکرار می‌تواند در حروف، یا افعال، یا اسم‌ها به کار رود، این نوع تکرار در توزیع واژگان محدود به هیچ قاعده و قانون خاصی نیست و کارکرد آن تنها به تأثیر موسیقایی و دلالتی آن محدود می‌شود، که انسجام معنایی و روابط درون‌متنی و برون‌متنی تکرارها نیز قابل توجه است. همچنین از تفاوت‌های موجود در کوتاهی و بلندی واحدهای مکرر متراکم در قصیده نمی‌توان چشم پوشید» (عبید، ۲۰۰۱: ۲۱۷)؛ بدین شیوه با تکرار یک سری کلمات کلیدی به شنونده و خواننده جهت می‌دهد و فضایی موسیقایی متناسب با مفهوم را خلق می‌کند، که بالطبع بر تأثیر عاطفی کلام می‌افزاید. اما در سوره بقره به دلیل این‌که هر بخش از سوره به موضوعات خاصی اختصاص دارد حوزه معنایی کلمات تکرارشونده تغییر می‌کند، لذا لازم به ذکر است که تکرار تراکمی الفاظ و واژگان نقش چندانی در سوره بقره ندارد؛ زیرا خداوند به جای تکرار لفظی کلمات در قرآن بیشتر از کلمات مترادف استفاده کرده است تا تأثیر بیشتری بر بیان مفاهیم داشته باشد. بنابراین، این تغییرات لفظی و کاربرد الفاظ مترادف قابل توجه است؛ بدین صورت که تکرار مفاهیم موجب انسجام درون‌متنی این سوره می‌شود.

به‌هرحال به دلیل کاربرد کمتر تکرار تراکمی نسبت به سایر تکرار هندسی، در این بخش به یک نمونه از تکرار تراکمی پرداخته خواهد شد:

(وَ إِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۴﴾ وَ إِذْ وَاَعْدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿۵۵﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۵۶﴾ وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۵۷﴾ وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿بقره / ۵۰-۵۴﴾)

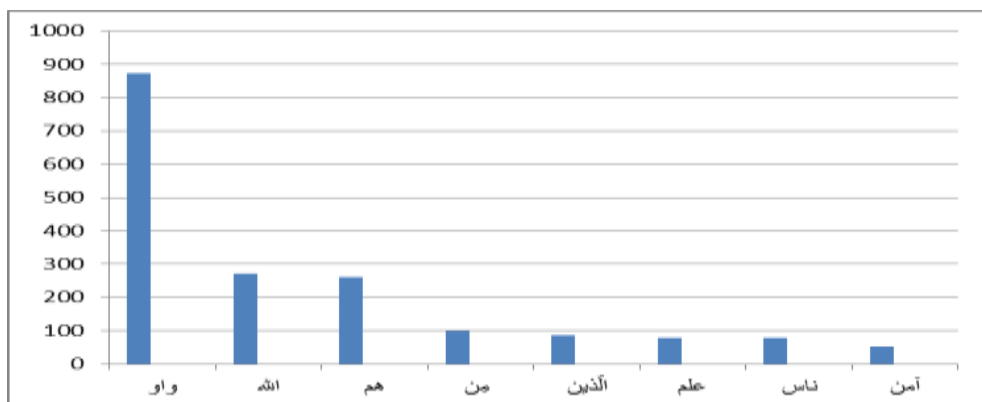
در این آیات که بخشی از نمونه‌های حق‌ستیزی یهودیان در برابر دعوت حضرت موسی به دین است؛ خداوند سبحان به‌طور مشخص به نجات بنی‌اسرائیل در برابر لشکر فرعون و سپس انحراف بزرگ یهودیان و گوساله‌پرستی این قوم اشاره می‌کند. بسامد واژگان تکرار شده در آیات بالا در نمودار زیر نشان داده شده است:



هنگامی که این آیات تلاوت می‌شود، یک سری کلمات مشخص به‌طور مکرر شنیده می‌شود که نمی‌توان آن‌ها را بی‌تأثیر پنداشت، چرا که در این بخش از سوره بقره، پروردگار با هدف هدایت قوم بنی‌اسرائیل به سوی دین مبین، موضوعاتی را به یهودیان یادآوری می‌کند. بر اساس این آمار انجام‌شده ضمیر جمع «کم» کلیدواژه‌ای است که بیشترین بسامد تکرار را دارد؛ و در مرتبه بعد ضمیر جمع «او» ۶ مرتبه تکرار شده است. در واقع منظور از این ضمایر جمع، یهودیانی هستند که در غیاب حضرت موسی، گوساله‌پرست و کافر شدند و تمامی این تکرارها مانند تکرار «کم» در «إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلِ» بر این مسئله تأکید می‌کند که یهودیان چه اشتباه بزرگی کردند و متحمل خسران بزرگی شدند. شاید اگر گفته می‌شد «یا قوم ظلمتم أنفسکم بإتخاذ العجل» تأثیر کنونی را نداشت و این قدرتی که در توبیخ یهودیان وجود دارد درک نمی‌شد. از سوی دیگر در این سه آیه اسم ظرف زمانی «إذ» در ابتدای آیه ۴ و ضمیر متکلم «نا» ۶ مرتبه به کار گرفته شده است، که در یک راستا و برای یادآوری برخی از نعمت‌هایی که از سوی خداوند شامل حال قوم بنی‌اسرائیل می‌شد اما همواره آنان از آن رحمت‌های الهی غافل می‌شدند. بنابراین تکرار تراکمی در این آیات اگرچه ایفاگر نقشی کلیدی

نیست اما بی‌تردید بی‌تأثیر هم نیست و با تکرار کلمات بر نکته‌های ظریفی تأکید دارد، همان‌طور که در ضمیر «نا» و «کم» دیده شد.

همان‌طور که اشاره شد، الفاظ تکرارشونده بر اساس مفاهیم متنوع هستند و بر اساس محور فکری کلمات تغییر می‌کنند که در ۴ محور فکری این تکرار نمود پیدا می‌کند؛ اما از زاویه دیگر و در نگاه کلی تعدادی از الفاظ از بسامد بالایی در سوره بقره برخوردار هستند:



بر اساس آمار، حرف «او» از بسامد بسیار بالایی برخوردار است که این آمار در بلندترین سوره قرآنی دور از انتظار نیست و همچنین فراوانی تکرار ضمیر «هم» و اسم موصول «الذین» نیز امری طبیعی محسوب می‌شود؛ زیرا این دو لفظ در راستای اشاره غیرصریح به مؤمنان و کافران به کار گرفته شده است. اما نکته قابل‌توجه در این آمار این است که در واقع نام مبارک «الله» در آیاتی تکرار می‌شود که تأکید بر قدرت و آگاهی خداوند دارد؛ و همچنین تکرار «ناس» و افعال مشتق از ریشه «آمن» و «علم» در سوره بقره است و ارتباط بین این الفاظ تکرارشونده دال بر این پیام است که «ریشه‌ی خداپرستی در فطرت و وجدان همه مردم است» (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۱: ۷۵)؛ و انسان با تکیه بر اصل معرفت به خدا ایمان می‌آورد.

۶. بررسی آماری انواع تکرار هندسی در سوره بقره

آمارگیری و ارائه آمار در پژوهش‌های زبان‌شناسی اگرچه امری ضروری نیست، اما برای جمع‌بندی و ارائه گزارش کمک شایانی می‌کند. بنابراین علاوه بر بررسی انواع تکرار هندسی که با ذکر شاهد

مثال‌هایی انجام شد، بهتر آن است که در راستای درک میزان گستردگی و کاربرد انواع تکرار در سوره بقره در قالب جدول یک تصویر کلی ارائه شود:

تکرار هندسی	تعداد تکرار	درصد تکرار
استهلالی	۱۳	٪۲۲
ختامی	۱۶	٪۲۸
هرمی	۱۸	٪۳۱
دایره‌ای	۷	٪۱۲
تراکمی	۴	٪۷
مجموع	۵۸	٪۱۰۰

بنابراین تکرار هندسی به‌طور وسیعی در سوره بقره به‌کار گرفته شده، به ویژه تکرار هرمی که بیشترین بسامد را در سوره بقره دارد و خداوند از این نوع تکرار که پیچیدگی‌های منحصربه‌فردی را دارد، در راستای بیان مسائلی مانند معرفی انواع نعمت‌ها و یا توصیف مراتب خسران یا رستگاری به‌کار گرفته است، با این امید که ذکر تمامی جزئیات و توضیحاتی که از جزء به کل و یا از کل به جزء - هستند مانع هرگونه ابهامی باشد و بر وضوح و روشننگری کلام بیفزاید.

نتیجه

سوره بقره به عنوان بلندترین سوره قرآن کریم، از تنوع موضوعی برخوردار است و به لحاظ محتوایی، سوره جامع و کاملی محسوب می‌شود؛ زیرا خداوند متعال در این سوره، به احکام دینی، مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی می‌پردازد؛ بنابراین، بنا به ضرورت و در راستای تأکید لفظی یا معنایی، تکرار هندسی در سوره بقره نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. از انواع تکرار هندسی به کار گرفته شده در قرآن: تکرار استهلالی، تکرار ختامی، تکرار هرمی، تکرار دایره‌ای و تکرار متراکم است. به‌طور کلی آمار تکرار هندسی به ۵۸ می‌رسد که بی‌تردید علاوه بر تأثیر بسیار بالایی که در تبیین معانی دارد، به زیبایی ظاهری سوره بقره نیز افزوده است. در واقع تکرار هرمی بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است و از آن به منظور توصیف‌ها و ویژگی‌ها و معرفی مراتب و جایگاه و درجات مخلوقات و مراتب رستگاری و یا خسران استفاده شده است و در تمامی آیات، این تکرار پلکانی توانسته است تا با سیری تدریجی، موضوع را برای مخاطب یادآوری نماید. سپس تکرار ختامی و تکرار استهلالی به‌طور قابل‌توجهی به‌کار گرفته شده است که تأثیر شایانی در تفهیم مفاهیم دارند؛ شایان توجه است که قرآن از تکرار استهلالی و قدرت و تأثیری که در جمله و عبارت ابتدایی کلام احساس می‌شود، بیشتر در راستای امر به احکام و قوانین و یا نهی از یک سری چارچوب‌های دینی یا اخلاقی استفاده کرده است؛ این کلیدواژه‌های تکرارشونده، به منظور تأکید به کار گرفته شده‌اند، که به دلیل موقعیت آن‌ها در ابتدای کلام، تأثیر مضاعفی بر مخاطب دارد. اما در تکرار ختامی خداوند اثرگذاری و قاطعیتی که در پایان آیه وجود دارد را غالباً به منظور بیان صفات خداوندی به خدمت گرفته است و این مفاهیم و صفات الهی که در قالب تکرارهای ختامی مجدداً به آن‌ها اشاره می‌شود، در واقع هشدار نهایی خداوند نسبت به مفاهیم موردنظر است، با این امید که ذات و فطرت انسان از لغزش و اشتباه به دور باشد.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن الأثیر، ضیاء الدین أبو الحسن عز الدین علی بن أبی الکریم (بی تا)، **المثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر**، تعلیق أحمد الحوفی و بدوی طبانۀ، قاهره، دار نهضة مصر.
۲. ابن حجرۀ الحموی، تقی الدین بن علی (۱۴۲۵ ق)، **خزانة الأدب و غایة الأرب**، تحقیق کوبک دیاب، بیروت، دار صادر.
۳. ابن رشیق القیروانی، أبو علی الحسن (۱۹۰۷ م)، **العمدة**، قاهره، مطبعة السعادة.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ)، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر.
۵. ابن یعقوب المغربي، أحمد بن محمد، (۱۴۲۴ ق)، **مواهب الفتح فی شرح تلخیص المفتاح؛ تحقیق خلیل ابراهیم خلیل**، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶. بهار، محمدتقی (۱۳۸۹ هـ ش)، **سبک شناسی**، تهران: امیرکبیر.
۷. الجاحظ (۱۹۹۸ م)، **البيان و التبيين**، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۸. الجرجانی، محمد الشریف (۱۹۸۵ م)، **التعريفات**، بیروت، مکتبة لبنان.
۹. الجندي، علی (۱۹۶۶ م)، **البلاغة الغنية**، القاهرة، مکتبة الانجلو المصریة.
۱۰. جیدة، عبد الحمید (۱۹۸۰ م)، **الاتجاهات الجديدة فی الشعر العربی المعاصر**، بیروت، دار الأمة.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۴ ق)، **تقریب القرآن إلى الأذنان**، بیروت، دار العلوم.
۱۲. خامه گر، محمد (۱۳۹۲ ش)، **ساختار سوره های قرآن کریم**، قم، نشر ا.
۱۳. الخطیب القزوینی، جلال الدین (۱۹۹۳ م)، **الإيضاح فی علوم البلاغة**، شرح و تعلیق محمد عبدالمنعم الخفاجی، القاهرة، المکتبة الأزهریة.
۱۴. سعیدبخش، حمید (۱۳۸۸ ش)، **نظریه هندسه چند وجهی سوره های قرآن**، فصلنامه پژوهش های قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۸، صص ۲۱۱-۱۸۰.
۱۵. السید، عزالدین (۱۹۸۶ م)، **التکریر بین المثیر و التأثير**، بیروت، عالم الکتب.
۱۶. السیوطی، جلال الدین (۱۹۸۸ م)، **الإتقان فی علوم القرآن**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، المکتبة العصریة.

۱۷. شرتج، عصام (۲۰۱۱م)، موحیات الخطاب الشعری / دراسة فی شعر یحیی السماوی، دمشق، دار الینابیع.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
۱۹. عبداوی، حفیظه (۲۰۰۱م)، أسلوب التکرار فی القصه القرآنیة: قصة موسى نموذجاً، کلیه الآداب و العلوم الإنسانیة و العلوم الإجتماعیة، جامعه أبی بکر بلقاید_ تلمسان.
۲۰. عبید، محمد صابر (۲۰۰۱م)، القصیده العربیة الحدیثة بین النسبة الدلالیة و البنیة الإیقاعیة، دمشق، اتحاد الکتاب العرب.
۲۱. علوی مقدم، محمد (۱۳۷۲هـ ش)، در قلمرو بلاغت، مشهد، آستان قدس رضوی موسسه چاپ و انتشارات.
۲۲. علی پور، مصطفی (۱۳۷۸هـ ش)، ساختار زبان شعر امروز، تهران، فردوس.
۲۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳هـ ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۴. قرانیا، محمد (۲۰۰۳ م)، قصائد الأطفال فی سوریه، دمشق، اتحاد الکتاب العرب.
۲۵. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷هـ ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
۲۶. گرجی، فهیمه (۱۳۸۹ش)، نقد و بررسی ساختار هندسی سوره‌ها با محوریت سوره محمد (ص).
- دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی _ تهران مرکزی.
۲۷. مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین.
۲۸. المعلوف، لويس (۱۹۲۷م)، المنجد فی اللّغة، بیروت، دار الأمة.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۳۰. الملائکة، نازک (۱۹۸۳ م)، قضايا الشعر المعاصر، بیروت، دار العلم للملایین.
۳۱. میبدی، احمد (۱۳۷۱ش)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، انتشارات امیرکبیر.

A Study of Geometric Repetition and Its Function in Surah al-Baqarah¹

Zohreh Behrouzi²

Ali Khezri³

Mohammad Javad Pourabed⁴

Abstract

Repetition is one of the important manifestations of the science of linguistics. It has invariably been noted by the literary people because repeating each word or phrase has a meaningful purpose and can influence the audience deeply. In the Holy Qur'an, repetition displays a step forward so that it depicts the miracle of the divine words. This is because the structure and arrangement of repetitive words besides adding to the beauty of the ayahs and surahs, contributes to the rhetoric of the speech and consequently enriches the semantic system and manifestation of important Qur'anic concepts. The present research is the result of studying geometric repetition in Surah al-Baqarah and because of the prominent role of this type of repetition in this surah, we intended to analyze its application and the degree of its effect in terms of signification using a descriptive-analytical

1. Date Received: June 22, 2019 ; Date Accepted: November 18, 2019

2. PhD Student of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University;
Email: zohreh.behroozi@yahoo.com

3. Corresponding author: Assistant Professor, Arabic Language and Literature, Persian Gulf University; Email: Alikhezri@pgu.ac.ir

4. Assistant Professor, Arabic Language and Literature, Persian Gulf University;
Email: M.pourabed@pgu.ac.ir

method and based on measuring the frequency of types of geometric repetition. Findings show there are five types of geometric repetition in Surah al-Baqarah: introductory, concluding, pyramidal, circular, and cumulative. Pyramidal repetition aims to repeat and remind concepts, and is used for descriptions, articulation of the details of the blessings and degrees of damnation and salvation. Concluding repetition is a decisive commandment and a beautiful ending for the ayahs; therefore, some attributes of God, such as all-hearing, all-forgiving, all-knowing, and almighty, serve to give warnings and are frequently repeated following ayahs stating commands and laws. Finally, introductory repetition to express ethical dos and don'ts has the highest frequency.

Keywords: the Holy Qur'an, Surah al-Baqarah, rhetorics, geometric repetition.